

نشریه ادبیات تطبیقی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۸، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵

بررسی تطبیقی زبان ارزیابی از دیدگاه نقشگرایی در زبان فارسی و انگلیسی (علمی - پژوهشی)

محمد رضا احمدخانی^۱
فاطمه یوسفی راد^۲
اکرم دهقان زاده*^۳

چکیده

در این پژوهش، تلاش بر این بوده است تا با به کارگیری بخشی از آموزه‌های زبان‌شناسی نقشگرا، زبان ارزیابی در دو زبان فارسی و انگلیسی بررسی شود. در نظریه نقشگرایی هلیدی، یکی از عواملی که سبب پیوند جمله‌های متن می‌شود، مقایسه است. در این مقاله، الگوهای دستوری و واژگانی استفاده‌شده در ارجاع مقایسه‌ای در دو زبان فارسی و انگلیسی تعیین هویت و با هم تطبیق داده شده است. تعیین این الگوها که نقش کلامی ارزیابی و مقایسه را در فرایند درک دارند، به خواننده این امکان را می‌دهد تا مفهوم ارزیابی در متن را شناسایی کند و چهارچوبی از مقایسه و ارزیابی از متن را در ذهن خود تشکیل دهد. روش تحقیق به صورت توصیفی^۰ تحلیلی است. داده‌های تحقیق از مجلات هنری و ادبی گردآوری شده‌اند و چارچوب نظری تحقیق، دستور نقشگرایی هلیدی است. در این پژوهش مشخص گردید که هر دو زبان در کاربرد الگوهای ساختاری صفت برتر و برترین، شباهت، جمله‌واره قیدی مقدار، جمله‌واره تصحیح و تجمع صفتی و واژگانی برای اهداف ارزیابی مشترک هستند.

واژه‌های کلیدی: زبان ارزیابی، انسجام، ارجاع مقایسه‌ای، هلیدی، نقشگرایی.

^۱ استادیار دانشگاه پیام نور تهران: dr.ahmadkhani@gmail.com

^۲ استادیار دانشگاه پیام نور تهران: yusefirad@yahoo.com

^۳ دانشجوی دکتری پیام نور واحد تهران: akram_dehghan55@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۱۶

۱- مقدمه

ارزیابی و مقایسه، به‌طور واضح در توصیف موضوعات گوناگون نقش مهمی را ایفا می‌کند. در قیاس به‌طور کلی ویژگی‌های دو چیز کنار یکدیگر گذاشته و با هم مقایسه می‌شود؛ بنابراین، قیاس دست کم دو طرف دارد و قیاس یک چیز با خود بی‌معنی است. نکته قابل ذکر اینکه وقتی دو چیز را باهم مقایسه می‌کنیم، در واقع، پیوندی بین آن دو برقرار می‌شود. انسجام، یکی از انواع پیوندهایی است که سبب ارتباط (در سطح آوایی، معنایی، نحوی و منطقی) جمله‌های متن با یکدیگر می‌شود. انسجام در هر یک از سطوح زبانی، ابزارهای خاص خود را دارد. در این نظریه که هلیدی مبدع آن است، عوامل انسجام عبارت است از: ارجاع، حذف، جایگزینی، ربط و انسجام واژگانی است. در نظریه نقش‌گرای هلیدی، یکی از عواملی که سبب پیوند جمله‌های متن می‌شود، مقایسه است. رادیکری، معتقد است که ارزیابی یک اصطلاح پوششی است برای بیان نگرش نویسنده یا گوینده درباره موضوعاتی که درباره‌اش بحث می‌کند. هر پاره گفتار می‌تواند به‌عنوان حقیقت ارزیاب بیان شود. در این مقاله، به بررسی و تعیین هویت الگوهای دستوری و واژگانی استفاده شده در ارجاع مقایسه‌ای پرداخته شده است. روش تحقیق این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است. بعد از مطالعه و بررسی، کلیه واژگان و الگوهای دستوری عبارت‌های مقایسه‌ای، استخراج و فهرست‌بندی شده است.

۱-۱- بیان مسئله

نقد و ارزیابی ادبی و آثار هنری، دست کم در حوزه تحلیل محتوا که بخشی از آن ساختاری است، نیازمند ابزار خاص زبانی است. شناخت این ابزار و بررسی اجزای آن در زبان فارسی و انگلیسی و مقایسه آن در دو زبان، موضوع این مقاله است. نگارندگان با بررسی روش‌های ارزیابی در دو زبان فارسی و انگلیسی، براساس نظریه نقش‌گرا، به استخراج الگوهای دستوری و واژگانی ارزیابی پرداخته‌اند و سپس، با بررسی تطبیقی این الگوها در دو زبان فارسی و انگلیسی، وجوه خاص و مشترک در این زمینه مشخص شده است. در بررسی زبان ارزیابی، اهداف زیر دنبال می‌شود:

۱- بررسی عوامل ارجاع مقایسه‌ای در زبان ارزیابی؛

۲- دستیابی به ملاک‌های الگوهای زبان ارزیابی در زبان‌های فارسی و انگلیسی.

۲-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

امروزه با افزایش ارتباطات رسانه‌ای و فرهنگی، بررسی‌های تطبیقی و مقابله‌ای ادبی و هنری گستردگی فراوانی پیدا کرده و به رشته‌ای مجرا تبدیل شده‌است و ادیبان، مترجمان، منتقدان ادبی و زبان‌شناسان، از فعالان این حوزه به شمار می‌روند. با توجه به میراث سترگ ادبی و هنری زبان فارسی و لزوم انتقال و ترجمه آن به زبان‌های دیگر و از جمله انگلیسی، آشنایی با زبان ارزیابی، امری ضروری در این حوزه است. با توجه به تحقیقات بسیار اندک در مورد زبان ارزیابی، دستاوردها و نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده متخصصان این حوزه قرار گیرد و آغاز راهی برای پژوهشگران بعدی باشد.

۳-۱- پیشینه تحقیق

۱-۳-۱- پیشینه تحقیق در زبان فارسی

در خصوص زبان ارزیابی و تعیین هویت الگوهای دستوری و واژگانی زبان فارسی و تطبیق آن با زبان انگلیسی، تاکنون هیچ‌گونه پژوهش مستقلی در زبان فارسی صورت نگرفته است و تنها در پایان نامه دکترای آقای «علی همتی»، با موضوع «ساخت معانی ارزیابی در مقالات (انشاهای) استدلالی توسط دانشجویان ایرانی رشته زبان انگلیسی با پیشینه‌های زبانی فارسی، کردی و عربی: مقایسه‌های عالی و ضعیف» در سال ۱۳۹۳ به برخی مسائل کلی در این زمینه اشاره شده‌است.

۲-۳-۱- پیشینه تحقیق در زبان انگلیسی

در قرن حاضر، تحقیقات زیادی در زمینه زبان ارزیابی به صورت کتاب، مقاله و پایان‌نامه صورت گرفته‌است که به که به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

- هانستون (۱۹۹۴)، ارزیابی و سازماندهی در یک نمونه گفتمان نوشتاری آکادمیک.

- جی. تامپسون (۲۰۰۰): ارزیابی در متن.

- سینکلر (۲۰۰۰)، دستور محلی ارزیابی.

- بوندی و مارائن (۲۰۰۳)، موضوع ویژه در ارزیابی.

- جی. کی. مارتین و پی. آر. آر. وایت (۲۰۰۵)، زبان ارزیابی.

۲- بحث

تحلیل‌گفتمان از جمله شیوه‌های بررسی متن است که در طول حیات خود، ابزار و روش‌هایش را گسترش داده و عمق بخشیده است. تحلیل‌گفتمان، فعالیتی بین رشته‌ای است که حاصل مساعی مشترک رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی است لیکن زبان‌شناسی در همه این فعالیت‌ها نقش محوری دارد. در دهه حاضر، بیشترین مطالعات زبان و زبان‌شناسی که معطوف به تجزیه و تحلیل کلام بوده و با آن هم‌هدف گردیده است، مطالعه کاربرد عینی زبان در ارتباط بین انسان‌هاست. از جمله مباحثی که در تجزیه و تحلیل کلام یا سخن‌کاوی مطرح است، بحث پیوستگی و همبستگی متن است که به مطالعه عملکرد عناصر درون زبانی و برون زبانی در مراودات بین انسان‌ها یا تأثیر نحوه ساختمان متن و همین‌طور بافت اجتماعی متن در تبلور نقش و معنای آن می‌پردازد. تحلیل‌گفتمان انتقادی و نقد زبان‌شناختی، از طریق مطالعات تحلیل متون ادبی، سبک‌شناسی و نقد ادبی با ادبیات مرتبط است. تحلیلگران گفتمان انتقادی بر این باورند که متون ادبی نیز مانند سایر متون، در خدمت ارتباط‌اند؛ از این‌رو، آنها را نیز می‌توان با نگرش و روش انتقادی تحلیل نمود. (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷)

آنچه در کاربردشناسی مهم است، معنای جمله در کلام است که با طرح دیدگاه‌های کاربردشناسانه در چارچوب چنین بینشی، زبان‌شناسی نقش‌گرا-سیستمی شکل گرفت. (قبادی، ۱۳۹۰: ۷۲) به باور هلیدی، ادبیات وضعیت خاصی دارد که آن را به هنر کلامی تبدیل می‌کند؛ بنابراین، مستقل است، به طوری که برخلاف گونه‌های دیگر، ادبیات جهان را ورای متن تعریف می‌کند و نه به وسیله موقعیت آن. (هلیدی، ۱۳۸۵: ۱۳۹)

۲-۱- پیوستگی و انسجام متن از دیدگاه نقش‌گرای

از دیدگاه زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا، انسجام، ارتباط داخلی موجود میان بخش‌های گوناگون، ساختار جمله را توسعه می‌دهد و همچنین رابطه‌های بیرونی بین یک جمله و جمله دیگر از همان متن را روشن می‌کند. گوت‌وینسکی (۱۹۷۶: ۳۳) نیز معتقد است که متون ممکن است دارای انسجام ضعیف‌تر یا قوی‌تر باشند اما هیچ متنی، بدون انسجام نیست. هلیدی و حسن در اثر معروف خود، روابط بین جمله‌ای متن را انسجام متنی نامیده

و آن را این گونه تعریف کرده‌اند: «انسجام، یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و آن را به‌عنوان یک متن از غیر متن متمایز و مشخص می‌نماید.» (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴) آنها برای مشخص کردن متن از غیر متن، از اصطلاح بافتار استفاده می‌کنند که این بافتار، به متن انسجام می‌بخشد و آن را از غیر متن متمایز می‌نماید. (اگینز، ۲۰۰۷، ۲۳-۲۴) زبان‌شناسی نقشگرا با توجه به کارکرد اجتماعی اش تبیین می‌شود. به همین لحاظ، زبان‌شناسی نقشگرا، نظریه‌ها و الگوهای متنوعی را دربرمی‌گیرد که کارکرد زبان را رفتاری اجتماعی توضیح می‌دهند. (ونتولا ای جا، ۱۹۹۱: ۲۶۰-۲۵۵) در ساخت یک متن، عواملی به کار می‌رود که با عوامل ساخت جمله کاملاً تفاوت دارد. یکی از عوامل که باعث بازشناخته شدن متن می‌شود، انسجام یا پیوستگی متن با پیوندها و ربطی است که در درون متن وجود دارد. جملات یک متن و عناصر درون آن، به روش‌های متفاوتی به هم مربوط می‌شوند. شناسایی و تحلیل این پیوندهای منسجم در درون متن، به ما این بینش را می‌دهد که نویسنده چگونه مطلبی را که می‌خواهد بنویسد، تنظیم می‌کند. این شناخت می‌تواند عامل مهمی در قضاوت، در مورد منسجم بودن یا نبودن متن باشد.

۲-۲- ماهیت ارجاع و استنباط از دیدگاه نقشگرایی

در نظریه زبانی هالیدی، یکی از عواملی که سبب پیوند جمله‌های متن می‌شود، مقایسه است. این عامل در کنار ارجاع شخصی و اشاره‌ای، سه نوع ارجاع را شکل می‌دهد زیرا از نظر هالیدی، وقتی دو واحد زبانی با هم مقایسه می‌شوند، در واقع، به هم ارجاع می‌دهند. از دیدگاه هالیدی، متن دارای دو مؤلفه است: (۱) مؤلفه ساختاری، (۲) مؤلفه انسجام. مؤلفه ساختاری به دو دسته تقسیم می‌شود: (۱) ساختار موضوعی، (۲) ساختار اطلاعاتی. در نظریه هالیدی، جایگزینی انسجام، علاوه بر ارجاع، عوامل دیگری نیز دارد که عبارت است از: (۱) جایگزینی و حذف، (۲) انسجام واژگانی و (۳) ربط. روشن است که کلمات به‌خودی‌خود، به چیزی ارجاع ندارند بلکه این کاربران هستند که آنها را به شیء یا فردی ارجاع می‌دهند. شاید بهتر باشد که ارجاع را به‌مثابه عملی در نظر بگیریم که طی آن، گوینده یا نویسنده با به‌کارگرفتن صورت‌های زبانی، شرایطی را فراهم می‌کند تا شنونده یا خواننده بتواند پدیده‌ای را بشناسد. این صورت‌های زبانی را عبارات ارجاعی می‌نامند که

می‌توانند شامل اسامی خاص (مانند: شکسپیر، کتی و هاوایی)، عبارت‌های اسمی معرفه (مانند: [آن] مؤلف، [آن] خواننده، [آن] جزیره) یا نکره (مانند: مردی، زنی و جای زیبایی) و ضمائر (مانند: او، آنان) باشند. ارجاع به شخصی، به دو نوع اشاره‌ای و مقایسه‌ای تقسیم می‌شود. ارجاع شخصی، سه زیرمقوله دارد: (۱) ضمائر شخصی، (۲) صفات ملکی و (۳) ضمائر ملکی. ضمائر شخصی نیز شامل ضمائر فاعلی و مفعولی است. (محمدابراهیمی، ۱۳۷۵: ۸۸)

به نظر هالیدی، ارجاع اشاره‌ای دو بخش دارد: (۱) خنثی، شامل حرف تعریف The، (۲) منتخب، شامل عوامل اشاره به دوری و نزدیکی مشارکین و شرایط مکانی فرایند؛ یعنی، ضمائر این، آن، آنها، اینجا، آنجا، حالا و آنگاه. (همان: ۹۰-۹۳) هالیدی، ارجاع مقایسه‌ای را ارجاع غیرمستقیمی به یکسانی یا شباهت عوامل ارجاعی می‌داند. (هالیدی و حسن، ۱۹۸۴: ۳۹) ارجاع مقایسه‌ای، شامل صفات و قیود تفضیلی و اشاره‌ای می‌شود. (همان: ۹۴) ارجاع، رابطه‌ای است که طی آن، تعبیر یا تفسیر یکی از طرفین ارجاع، یعنی عنصر پیش‌انگار، براساس ویژگی‌های معنایی آن عنصر انجام نمی‌شود بلکه برای این منظور، به سوی دیگر رابطه، یعنی مرجع رجوع می‌شود. (هالیدی، حسن؛ ۱۹۷۶: ۲)

ارجاع مقایسه‌ای، به دو دسته کلی ارجاع عام و ارجاع مقایسه‌ای خاص تقسیم می‌شود. ارجاع مقایسه‌ای عام، مقایسه‌ای است بدون توجه به ویژگی‌های دو چیزی که با هم قیاس می‌شود و با یکسانی، شباهت و تفاوت تقسیم می‌شود؛ یعنی، دو چیزی که از طریق ارجاع مقایسه‌ای عام مقایسه می‌شود، یا یکسان‌اند یا شبیه‌اند یا متفاوت. یکسانی طرفین مقایسه، از طریق واژه‌هایی مانند «برابر» و «یکسان» نمایش داده می‌شود، شباهت آنها از طریق واژه‌هایی مانند «شبهه» و «مثل» و تفاوتشان از طریق واژه‌هایی مانند «متفاوت» و «متمايز». هر دو عنصر پیش‌انگار و پیش‌انگاشته، در متن وجود دارد و بنابراین، ارجاع، درون‌متنی است و چون ویژگی خاصی از آنها با هم مقایسه نشده است، از نوع مقایسه‌ای عام نیز به‌شمار می‌رود. شباهت‌ها و تفاوت‌های کیفی و کمی پیش‌انگار و مرجع، به صورت صفت یا قید مقایسه‌ای تجلی می‌یابد. (محمدابراهیمی، ۱۳۷۶: ۹۴) در مقایسه خاص، یک ویژگی خاص پیش‌انگار و مرجع را با هم مقایسه می‌کنیم؛ این ویژگی خاص، کمی یا کیفی است. اگر مقایسه کمی باشد، نتیجه آن با عناصر شمارشی بیان می‌شود. اگر مقایسه کیفی باشد، نتیجه

آن را با عامل وصفی یا صفت تفضیلی بیان می‌کنیم. مقایسه خاص نیز ارجاعی و در نتیجه، انسجامی است. (همان: ۳۷)

وقتی دو چیز را با هم مقایسه می‌کنیم، در واقع، پیوندی بین آنها برقرار می‌شود زیرا ناچاریم این هردو را از مجموعه‌های خود جدا کنیم، کنار هم قرار دهیم و سپس، مقایسه نماییم. اگر این فرایند در زبان روی دهد، طرفین مقایسه را از جمله‌های خود انتزاع می‌کنیم، در ذهن کنار هم قرار می‌دهیم و پس از برقراری ارتباط، آنها را با هم مقایسه می‌نماییم؛ حال اگر آنها در دو جمله قرار داشته باشند، طرفین مقایسه با هم پیوند می‌خورند و جملات حاوی آنها نیز با هم متصل می‌شوند. این نوع اتصال، یکی از انواع پیوندهایی است که سبب ارتباط جمله‌های متن با یکدیگر می‌شود؛ این ارتباط، شامل ارتباط در سطح آوایی، معنایی، نحوی و منطقی است و انسجام نامیده می‌شود. همان‌گونه که بیان شد، مقایسه نیز یکی از ابزارهایی است که سبب انسجام متن می‌شود و در کنار ارجاع شخصی و اشاره‌ای، عامل انسجام‌دهنده ارجاع را شکل می‌دهد.

۲-۳- عوامل ارجاع مقایسه‌ای از دیدگاه زبان‌شناسی نقشگرایی هلیدی

هلیدی (۲۰۰۴: ۵۶۱)، عوامل ارجاعی مقایسه‌ای عام را در جدول شماره ۱، به سه بخش یکسانی، شباهت و تفاوت تقسیم می‌کند؛ یعنی، دو چیزی که از طریق ارجاع مقایسه‌ای عام با هم مقایسه می‌شوند یا یکسان‌اند یا شبیه‌اند یا متفاوت؛ یکسانی طرفین مقایسه از طریق واژه‌هایی مانند «برابر» و «یکسان» نمایش داده می‌شود، شباهت آنها از طریق واژه‌هایی مانند «شبهه» و «مثل» و تفاوتشان از طریق واژه‌هایی مانند «متفاوت» و «متمایز».

جدول شماره ۱: عوامل ارجاع مقایسه‌ای از دیدگاه هلیدی

Adverbial group گروه قیدی:	Nominal group گروه اسمی			
	Epithet	Enumerative	Post-deictic	
Adverb قید	Adjective, Adverb صفت و قید	Adverb قید	Adjective صفت	
Identically, (just) as, &c. به صورت یکسان			Same, equal, identical &c. یکسان	Identicality یکسانی General عمومی
So, likewise, similarly, &c. به صورت مشابه، به همان صورت، همین - چون، این‌گونه	Comparative Adjective; such صفت تفضیلی		Additional, &c مشابه	Similarity شباهت

Otherwise, else, differently, &c. به صورت دیگر، به صورت متفاوت			Other, different, &c. متفاوت	Difference تفاوت	
Comparative Adverb; better, &c. OR Submodifier: more, fewer, less, &c; so, as, &c, + subhead; Averb	Comparative: adjective: bigger, &c, OR less, &c; so, as, &c, + subhead: Adjective	Submodifier: more, fewer, less, &c; so, as , &c, + subhead; numeral صفت‌های مقایسه‌ای و کمیت‌نما		Particular مشخص	

۲-۴- عوامل ربط از دیدگاه نقشگرایی هلیدی

عوامل ربط در نظریه هلیدی (۲۰۰۴: ۴۰۵)، به عنوان یکی از ابزارهای انسجام متن یا ابزارهای پیوند جمله‌های یک متن مطرح می‌شوند. این عوامل، عواملی هستند که بین دو جمله یا اول آنها قرار می‌گیرند و آنها را به هم متصل می‌کنند. عوامل ربط، در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲: عوامل ربط از دیدگاه نقشگرایی هلیدی

Hypotactic		Paratactic	معنا Meaning	Category مقوله:	
Non-finite	Finite				
Besides, apart from, as well as	While, whereas در حالی که، جایی که	(both...)and; not only...but also و...و ؛ نه تنها...بلکه	X and Y این و آن	And, additive; positive و مثبت	i).addition اضافه
-----	-----	neither...nor نه...نه	not X and not Y نه این و نه آن	additive: negative نه	
Without	While, whereas در حالی که، جایی که		X and conversely y این و برعکس آن	But, adversative	
Instead of, rather than در عوض، بهتر از	-----	But not; not...but اما نه...اما	Not X but Y نه این اما آن	Instead, replactive به جای آن	ii).variation گوناگونی
Except for, other than به جز برای، دیگر از	Except that به جز که	,but, Only except نه، اما، به جز	X but not all X این اما نه همه اینها	Except, subtractive به جز	
If...not(...then) اگر...نه... (پس)	(either...) Or (else) یا دیگری	X or Y یا این یا آن	Or یا	iii).alternation تناوب	

۲-۵- روند بررسی عبارت‌های ارزیابی در زبان فارسی

۲-۵-۱- استفاده از صفت برتر و صفت برترین

- نمایشگاه‌های انفرادی، معمولاً کمتر مورد توجه خریداران بوده است.
- آثار جافتاده‌تر و معروف‌تر، به این بازار راه پیدا کرده است.
- امسال از بدترین سال‌های فروش آثار هنری در ایران است.
- نور، مهم‌ترین عامل دیدن مار سه بعدی است.

۲-۵-۲- شباهت / تفاوت

این نوع مقایسه، با عواملی مانند: چون، همچون، گویی، چنان، انگار، چه بسا و.... بیان می‌شود. تقریباً تمامی عوامل ارجاع مقایسه‌ای به گونه‌ای با مبحث تشبیه مرتبط است. این نوع تشبیه، با توجه به ذکر کردن یا نکردن وجه شبه یا ویژگی مورد مقایسه، در حوزه تشبیه خاص یا عام قرار می‌گیرد زیرا از نظر معنی، بین تشبیه و تفضیل و انواع دیگر تشبیه تفاوتی وجود دارد.

- در نقاشی چون موزه، هیچ‌وقت نمی‌توانید قیمت را روی دیوار یا کاتولوگ ببینید.
- هنرمندی که فردیتی در خور را به نمایش بگذارد، همچون کیمیاست.
- بیننده را با انسان‌هایی روبه‌رو می‌کند، گویی فقط متعلق به جهان اندیشه‌ای نقاش است.
- هری چنان در این بی‌اعتمادی در جهان پیرامونش غرق می‌شود...
- فیلم انگار در میان نظرگاه‌های متفاوت در نوسان است و تکلیفش با خودش روشن نیست.
- هالیدی، ارجاع مقایسه‌ای عام را به سه بخش یکسانی، شباهت، تفاوت، تقسیم می‌کند.
- در این الگو نیز برای ارزیابی، از شناسه‌واژگانی «تفاوت» و گروه فعلی «تفاوت‌داشتن» استفاده شده است و خوانندگان چهارچوبی از مقایسه و ارزیابی از متن را در ذهن خود تشکیل می‌دهند.

- اولین تفاوت را باید در فضای رنگی کاراکترها و یا ابژه‌ها دانست.
- موقعیت‌های متفاوت و متوازی خلق کرده‌بود.
- ذات زندگی هر دو با هم متفاوت است.

۲-۵-۳- گروه‌های ربطی همپایگی

نویسنده یا نقدکننده، از الگوهای دستوری حرف ربط همپایگی، برای ارزیابی استفاده می‌کند. نکته قابل توجه اینجاست که گروه‌های ربطی همپایگی، تعبیر و تفسیر ارزیابی دارد و نویسنده از طریق این ساخت‌ها، به بیان نقطه‌نظر خود می‌پردازد. حروف ربط همپایگی مورد استفاده در ارزشیابی آثار عبارتند از:

۱- جمله‌واره‌های یکسانی (تسویه): «چه.....چه»، «خواه.....خواه»

جمله‌واره‌های یکسانی (تسویه): «چه.....چه» «خواه.....خواه» که حروف ربط همپایگی هستند، مفهوم ارزیابی و مقایسه به خود گرفته‌است.

- یک مجموعه اثر هنری با طبع قدیمی، باز هم چه هنر، چه زندگی فرقی نمی‌کند، موجه نیست.

- هنر هر چه باشد، خواه یادآوری تلخی حقیقت و خواه کتمان آن.

۲- جمله‌واره‌های منفی: «نه.....نه»، «نه.....ونه»

- نقاش نه در بک گراند فضا سازی می‌کند و نه اشیای پیرامونی را می‌کشد.

- ... نه کم‌دی است، نه ملودرام؛ بیشتر فانتزی از کار درآمده‌است.

۳- جمله‌واره تناوب: «یا، یا» و «گاهی... گاهی»

- نقش‌هایش مملو از نقوش‌اند؛ یا به صورت بافت تزئینی یا به صورت گلی.

- نوری که گاهی فلورسنتی و زمینی و گاهی در همسانی در فرم‌هایش، فرازمینی می‌نماید.

۴- جمله‌واره تصحیح: بلکه

- آنها را متوجه این نکته می‌کند که نه محکوم و نه مجبور بلکه مبتلا به یکدیگر هستند.

- چنین فضایی نه مبتنی بر اتفاقات متوالی بلکه متکی بر موقعیت حسی است.

۲-۵-۴- گروه‌های ربطی وابستگی

در این الگوها، عامل ربطی وابستگی برای ارزیابی استفاده شده‌است. عوامل پیونددهنده

ربطی عبارتند از:

۱- جمله‌واره قیدی تقابل: اگرچه، هر چند، (جمله‌واره وابستگی) در ارزیابی.

- نقّاش اگرچه زن را در رنج و تلخ‌کامی با صورتی از ترس و واهمه به تماشا می‌گذارد، اما انگشت اتهام را به سوی کسی نمی‌گیرد.
- هرچند فیلم‌نامه آن را سال ۱۹۶۷ نوشته‌بود، اما تازه بعد از موفقیت بی‌نظیر پدرخوانده بود که امکان ساخت آن را پیدا می‌کرد.
- ۲- جمله‌واره قیدی کیفیت و حالت: همانطور که، (جمله‌واره وابستگی) در ارزیابی با استفاده از الگوی جمله‌واره قیدی کیفیت و چگونگی، به ارزیابی و مقایسه موضوع‌های مورد نظر پرداخته شده‌است.
- همان‌طور که گردشگری می‌تواند صنعت شود، هنر هم می‌تواند بازخورد اقتصادی داشته‌باشد.
- همان‌طور که زندگی پیرو هیچ سبکی نیست، طبیعت هم از هیچ استایلی پیروی نمی‌کند.
- ۳- جمله‌واره قیدی مقدار: این / آن قدر، به همان اندازه، همان قدر، همان‌سان، به همین سیاق، (جمله‌واره وابستگی) در ارزیابی
- فیلم نمی‌تواند موضوع اصلی را را آن قدر دراماتیزه کند که ما نگرانش باشیم.
- اقلیم ذهنی جری اولزمن، همان قدر باورناپذیر و ناممکن به نظر می‌رسد.
- به همین سیاق، نابودی گونه‌های جانوری و گیاهی که ما فکر می‌کنیم.
- در این مثال‌ها، نویسنده از نقطه‌نظر خود، به ارزیابی پرداخته و از قیده‌های «این / آن قدر، به همان اندازه، همان قدر، همان‌سان، به همین سیاق» برای ارائه‌نمای تصویری ارزیابی موضوع‌ها استفاده می‌کند.
- ۴- جمله‌واره قیدی شرط: درحالی‌که، (جمله‌واره وابستگی) در ارزیابی از جمله‌واره شرطی برای ارزیابی موضوع‌ها استفاده شده‌است.
- اروپایی‌ها هنر بسیاری دارند درحالی‌که آمریکایی‌ها پول بسیار و خانه‌های بزرگ خالی.
- همیشه آثار با کیفیت‌تری هستند که گوشه‌آتلیه خاک بخورند درحالی‌که آثاری به مراتب پایین‌تر به راحتی فروش کنند.

۲-۵-۵- استفاده از واژگان ارزیابی

- بعضی واژه‌ها، به‌طور واضح، معنای ارزیابی و مقایسه را دارند: ترجیح / در قیاس با / در مقایسه با / ترجیح دادن / مقایسه کردن / ارزیابی کردن / به‌نظر رسیدن.
- ۱- استفاده از واژگان «ترجیح/ترجیح دادن» در ارزیابی
- از شناسه واژگانی «ترجیح» و گروه فعلی «ترجیح دادن»، برای ارزیابی کردن موقعیتی خاص استفاده شده‌است. این الگو، توجه و تمرکز خواننده را به سمت ارزیابی هدایت می‌کند:
- ترجیح این بود از نمایشگاه‌های گروهی که امکان ریسک کمتری وجود دارد.
- اما شخصاً در اینجا ترجیح می‌دهم واژه هویت را به‌جای واژه «تاریخ» پیش نهیم.
- ۲- استفاده از واژگان: در قیاس با / در مقایسه با / مقایسه کردن / ارزیابی کردن در ارزیابی
- وضعیت هنر جوان در گالری‌ها، در مقایسه با آنچه مسابقات هنری دولتی برای این نسل برگزار می‌کند.
- که نارنجی‌پوش را با همان ملاک‌هایی ارزیابی می‌کنند که تلقین کریستوفر فولان را.
- مقایسه می‌کنیم با فصلی مشابه در از کرخه تا راین که به‌رغم رفتاری بیش از حد احساسی.
- عکس‌های این نمایشگاه، در قیاس با دیگر نمایشگاه‌های عکس از عزاداری‌های ماه محرم، متفاوت به‌نظر می‌رسد.
- ۳- استفاده از گروه فعلی «به‌نظر رسیدن» در ارزیابی مطالعات فرهنگی
- گروه فعلی «به‌نظر رسیدن»، نقش کلامی ارزیابی و مقایسه را در فرایند درک دارد و به خواننده این امکان را می‌دهد تا مفهوم ارزیابی را در متن، شناسایی کند.
- آنچه در اثرش مهم به‌نظر می‌رسد، چهره‌ها نیستند.
- به‌نظر می‌رسد کارهایش در دومین نمایش، به لحاظ معنایی قابل قبول تر شده‌اند.

۶-۲- روند بررسی عبارت‌های ارزیابی در زبان انگلیسی

۶-۲-۱- استفاده از پیشگرایی (Anticipatory IT) it

الگو به صورت نهاد تهی *it*، به دنبال آن فعل، صفت و همچنین بند *that* یا مصدر یا صورت *ing* است. موضوع ارزیابی شده بعد از بند *that* می‌آید و مقوله ارزیابی، صفت، پیش از موضوع ارزیابی می‌آید. در این الگو صفت، مقوله ارزیاب است.

1. IT + V + ADJ + THAT clause.

Looking at this exhibition, it is clear that the sky is paramount in...

این الگو، مفهومی از سهولت را در ذهن خواننده تداعی می‌کند.

2. IT + V + ADJ + TO-inf.

ttt tt ttt ttt t it is difficult to make kkkk kk kny fffff ff f

این الگو، مفهومی از سختی را در ذهن خواننده تداعی می‌کند.

3. IT + V + ADJ + ING-form.

... Image of a woman, a type . The nude. It is tempting.

looking tt t uu uuuuuuuufff

۶-۲-۲- استفاده از نهاد ساختگی (Dummy subject THERE) there

این الگو، قضاوتی از خوب یا بد را ارائه می‌دهد و این امکان، به وسیله صفت فراهم می‌شود.

1. THERE + V + SOMETHING + ADJ + about/ in.

i i iiiiiii ii ii iiiii iii o oys. There is something comical and sinister about

nnn nn nn nnn nn n nnnnnnnnn n there is something horribly ironic in eee

2. THERE + V + NOTHING + ADJ + about/ in.

e e eeeee eeeee. There is nothing daringly radical about eee eeee ee

n nnnn nn mnnn nnnn;;; there is nothing new in the art here eeee ee ee

۶-۲-۳- استفاده از جمله‌های شبه اسنادسازی شده (Pseudo – clefts)

این الگو، به طور معمول با *what* شروع می‌شود و سپس، یک فعل، صفت به همراه فعل ربطی و یک بند است. در این الگو، موضوعی که ارزیابی شده، در آخر جمله بعد از فعل ربطی و صفت که مقوله ارزیاب است، می‌آید.

WHAT + V + ADJ + link-V+ clause.

What is exhilarating about India is also what is disorienting about it a a ttttt tt t

۲-۶-۴- الگوهای مقایسه‌ای (Analogical patterns)

موضوع ارزیابی شده قبل از *as/so* صفت *as* و عبارت اسمی می‌آید. این الگو، به طور واضح، به مقایسه و ارزیابی موضوعات می‌پردازد.

Thing evaluated + AS /SO/ ADJ AS + noun phrase

ss sssss ssssss ss sss sssssssss ss as bad as a scream. And

ff fff fff f

f fff ffff f ffff fff lllll l lllll as big as a pigeon's egg.

More than...

۲-۶-۵- نشانگر واژگانی ارزیابی (Lexical indicator of evaluation)

Such an/a نشانه‌ای مبنی بر دلالت بر ارزیابی و سنجش است.

نهاد و فعل و *Such an/a* و صفت و اسم و بند اسمی. در این الگو، ممکن است حضور صفت یا نبود آن را به عنوان مقوله ارزیاب داشته باشیم که در این مورد، با توجه به الگوی دستوری، می‌توانیم مفهومی از ارزیابی را درک کنیم.

Subj + V + SUCH A/AN + (ADJ)+ N + that NP

Storr has done such a beautiful job installing works in the show 's airy warehouse space that he's softened any edge they might have.

نکته قابل ذکر این است که هر بار *Such an/a* با یک صفت همراه شود، نویسنده

سعی دارد که ارزیابی قاطعی را ارائه دهد.

۲-۶-۶- تجمع صفتی و واژگانی (Lexical and adjectival accumulation)

موضوع ارزیابی شده، فعل، صفت و صفت و.../یا اسم و اسم و...

lllll llll lllll l 11 DDD D DDD D DDDD 4 4 4

a. What the show lacks is focus, direction, and a strong curatorial voice.

b. I respect the work of Langlands and Bell. It is intelligent, elegant and always beautifully executed.

تجمع صفتی به ترتیب خاصی ارائه می‌شود. ارزش مثبت در متن، تشدید پیدا می‌کند

(b) و از اهمیت ارزش منفی در متن کاسته می‌شود (a).

۲-۷- بررسی مقایسه‌ای زبان ارزیابی در فارسی و انگلیسی

۲-۷-۱- کاربرد صفت برتر و برترین

در بررسی مقایسه‌ای زبان ارزیابی در فارسی و انگلیسی، کاربرد صفات، رایج‌ترین

شیوه ارزیابی است که در هر دو زبان، به صورت کاربرد صفت برتر و صفت برترین است.

در زبان فارسی:

در زبان فارسی نیز استفاده از صفات برتر و برترین برای اهداف ارزیابی و سنجش از

آمار بالایی برخوردار است: موضوع ارزیابی (گروه اسمی)، مقوله ارزیاب (گروه صفتی) و موضوع ارزیابی شده (گروه فعلی).

کاربرد صفات برتر در موارد ارزیابی:

- کارهایش به نسبت آثار قبلی اش، پخته‌تر و جسورانه‌تر به نظر می‌رسید.

کاربرد صفات برترین در موارد ارزیابی:

- عنوان جدیدترین نمایشگاه نقاشی معصومه مظفری در گالری طراحان آزاد بود.

در زبان انگلیسی:

کاربرد صفات برتر برای اهداف ارزیابی:

گروه اسمی و فعل ربطی و گروه صفتی برتر و as/than و گروه اسمی / حرف اضافه‌ای /

قیدی

Noun group + link verb + comparative adjective group as /
than +NG / PP / ADVG

Which is cheaper than anything he can get through his own company.

کاربرد صفات برترین برای اهداف ارزیابی:

گروه اسمی و فعل ربطی و گروه صفتی برترین و (گروه حرف اضافه).

Noun group + link verb + superlative adjective group + (PP)
This particular phase is most dangerous.

۲-۷-۲- کاربرد شباهت

این نوع مقایسه، با عواملی مانند «چون، همچون، گویی، چنان، انگار، چه بسا و...» در زبان فارسی و *such a / an* در زبان انگلیسی بیان می‌شود.

در زبان فارسی:

موضوع ارزیابی، مقوله ارزیاب (عوامل تشبیه) و موضوع ارزیابی شده

عوامل تشبیه: چون، همچون، گویی، چنان، انگار، چه بسا... + صفت یا گروه اسمی

- او با چنان بزرگ منشی و خود آگاهی به سوی سرنوشت تراژیکش پیش می‌رود که دوباره می‌تواند...

این الگو نیز چارچوبی از ارزیابی و مقایسه را برای خواننده تداعی می‌کند.

در زبان انگلیسی:

فعل + نهاد *SUCH + A / A* (صفت) و *That* گروه اسمی

Subj + V + *SUCH + A / AN* + (ADJ) + N + *That NP*

A sitter turns out to be such a chameleon that he changes his look and the social category he belongs to, at will.

۲-۷-۳- گروه‌های ربطی همپایگی

الگوهای دستوری حرف ربط همپایگی، نقش ارزیابی و مقایسه را ایفا می‌کند.

در زبان فارسی:

جمله‌واره تصحیح «بلکه»: موضوع ارزیابی، مقوله ارزیابی (جمله‌واره منفی و جمله‌واره تصحیح).

- در این فیلم‌ها، نه تنها سازنده در مقام آموزش برنمی‌آید بلکه اغلب، چالش‌هایی در روابط شخصیت‌های قصه به وجود می‌آورد.

در زبان انگلیسی:

گروه اسمی، فعل ربطی، گروه صفتی و مقوله ارزیابی (گروه حرف اضافه)

Noun group + link verb + adjective group + (evaluator) pp
with to

A game is so important *not only* to myself, *but also* the team and the England fans.

۲-۷-۴- گروه‌های ربطی وابستگی

کاربرد جمله‌واره قیدی مقدار این / آن قدر، به همان اندازه، همان قدر، همان‌سان، به همین سیاق در زبان فارسی و AS /SO/ ADJ AS در زبان انگلیسی، با استفاده از جمله‌واره قیدی مقدار، مفهومی از ارزیابی را ارائه می‌دهد.

در زبان فارسی :

موضوع ارزیابی ، مقوله ارزیابی (این / آن قدر، به همان اندازه، همان قدر، همان‌سان، به همین سیاق) و جمله‌واره وابستگی.

- فیلم نمی‌تواند موضوع اصلی را به اندازه‌ای دراماتیزه کند که ما نگران باشیم.

در زبان انگلیسی :

موضوع ارزیابی شده (۱) ، as/so مقوله ارزیابی (صفت) as و موضوع ارزیابی شده (۲) و عبارت اسمی.

Thing evaluated (1) (Noun group)+ link verb + as + adjective group + as + thing evaluated(2)

It would be something as huge as this.

۲-۷-۵- تجمع صفتی و واژگانی

در زبان فارسی :

موضوع ارزیابی ، مقوله ارزیابی (صفت و صفت و...).

- فرشید با رنگ، به فرم شدت و حدت بیشتری می‌دهد.

موضوع ارزیابی شده ، فعل ، مقوله ارزیابی (صفت و صفت و... / یا اسم و اسم و...).

++++ e eeeeeeee e e eee ee e ee ee e++ +

Romantic art, we are warned, is *historical, excessive, pompous, even fascistic.*

۳- نتیجه‌گیری

در نظریه نقش‌گرای هالیدی، عواملی که سبب پیوند جمله‌های متن می‌شود: ارجاع، حذف، جایگزینی، ربط و انسجام واژگانی است و مقایسه نیز یکی از ابزارهایی است که سبب انسجام می‌شود. از نظر هلیدی، وقتی دو واحد زبانی با هم مقایسه می‌شوند، در واقع، به هم ارجاع می‌دهند. ارجاع مقایسه‌ای عام، به سه بخش یکسانی، شباهت و تفاوت تقسیم می‌شود. در این مقاله، به بررسی و تعیین هویت الگوهای دستوری و واژگانی استفاده‌شده در ارجاع مقایسه‌ای، در دو زبان فارسی و انگلیسی پرداخته و آنها را با هم تطبیق داده‌ایم. براساس آنچه در این مقاله گفتیم، ساختاربندی جملات برای اهداف ارزیابی در دو زبان فارسی و انگلیسی، دارای الگوهای ساختاری مشترک و خاص است.

– الگوهای ساختاری مشابه برای اهداف ارزیابی در دو زبان فارسی و انگلیسی

۱- صفت برتر و برترین: کاربرد صفات، رایج‌ترین شیوه ارزیابی و در هر دو زبان، به صورت کاربرد صفت برتر و صفت برترین است.

۲- شباهت: این نوع مقایسه، با عواملی مانند «چون، همچون، گویی، چنان، انگار، چه‌بسا و...» در زبان فارسی و such a / an در زبان انگلیسی بیان می‌شود.

۳- جمله‌واره قیدی مقدار: کاربرد جمله‌واره قیدی مقدار این / آن قدر، به همان اندازه، همان قدر، همان‌سان، به همین سیاق در زبان فارسی و AS /SO/ ADJ AS در زبان انگلیسی، با استفاده از جمله‌واره قیدی مقدار، مفهومی از ارزیابی را ارائه می‌دهد.

در زبان فارسی: موضوع ارزیابی، مقوله ارزیابی (این / آن قدر، به همان اندازه، همان قدر، همان‌سان، به همین سیاق) و جمله‌واره وابستگی.

در زبان انگلیسی: موضوع ارزیابی شده (۱)، as/so مقوله ارزیابی (صفت) as و موضوع ارزیابی شده (۲) و عبارت اسمی.

Thing evaluated (1) (Noun group) + link verb + as +
adjective group + as + thing evaluated(2)

۴- جمله‌واره تصحیح: الگوهای دستوری حرف ربط همپایگی، نقش ارزیابی و مقایسه را ایفا می‌کند.

در زبان فارسی: جمله‌واره تصحیح «بلکه»: موضوع ارزیابی، مقوله ارزیابی (جمله‌واره منفی و جمله‌واره تصحیح).

در زبان انگلیسی: گروه اسمی، فعل ربطی، گروه صفتی و مقوله ارزیابی (گروه حرف اضافه)

(*not only, but also*)

Noun group + link verb + adjective group + (evaluator) pp
with to

۵- تجمع صفتی و واژگانی

در زبان فارسی: موضوع ارزیابی، مقوله ارزیابی (صفت و صفت و...).

در زبان انگلیسی: موضوع ارزیابی شده، فعل، مقوله ارزیابی (صفت و صفت و.../ یا اسم و اسم و...).

eeee e eeeeeeee e e eee e ee e e ee ee e هه هه

- الگوهای ساختاری خاص برای اهداف ارزیابی در زبان فارسی:

۱- استفاده از واژگان: متفاوت / تفاوت داشتن.

۲- استفاده از واژگان: در قیاس با / در مقایسه با / مقایسه کردن.

۳- جمله‌واره قیدی تقابلی: اگرچه، هر چند، (جمله‌واره وابستگی).

۴- جمله‌واره‌های منفی: «نه.....نه» و «نه.....ونه» (ربطی همپایگی).

۵- جمله‌واره قیدی شرطی: در حالی که (جمله‌واره وابستگی).

۶- جمله‌واره‌های یکسانی (تسویه): «چه.....چه» و «نخواه.....خواه» (ربطی همپایگی).

۷- استفاده از گروه فعلی «به نظر رسیدن».

۹- جمله‌واره قیدی کیفیت و حالت: همان‌طور که (جمله‌واره وابستگی).

۱۰- جمله‌واره تناوب: یا، یا اینکه، و آلا، و گرنه، «گاهی... گاهی» (ربطی همپایگی).

۱۱- استفاده از واژگان: ترجیح / ترجیح دادن.

- الگوهای ساختاری خاص، برای اهداف ارزیابی در زبان انگلیسی.

در زبان انگلیسی، الگوهای ساختاری که به منظور بیان سنجش و ارزیابی مورد استفاده

قراری می‌گیرد، علاوه بر موارد مشترک در دو زبان، به صورت زیر است:

۱- پیشگرایی (Anticipatory IT) it

الگو به صورت نهاد تهی *it*، به دنبال آن فعل، صفت و همچنین بند *that* یا مصدر یا صورت *ing* است. موضوع ارزیابی شده، بعد از بند *that* می آید و مقوله ارزیابی، صفت، پیش از موضوع ارزیابی می آید.

1. IT + V + ADJ + THAT clause.
2. IT + V + ADJ + TO-inf.
3. IT + V + ADJ + ING-form.

- نهاد ساختگی (Dummy subject THERE) there

این الگو قضاوتی از خوب یا بد را ارائه می دهد.

THERE + V + SOMETHING + ADJ + about/ in.

۳- شبه اسنادسازی شده (Pseudo ° clefts)

این الگو، به طور معمول، با *what* شروع می شود و سپس، یک فعل، صفت به همراه فعل ربطی و یک بند است. در این الگو، موضوعی که ارزیابی شده، به آخر جمله، بعد از فعل ربطی و صفت که مقوله ارزیاب است، می آید.

WHAT + V + ADJ + link-V+ clause.

الگوهای مورد بحث، نشانه‌هایی دال بر ارزیابی در متن است که نویسنده یا منتقد، از این الگوها برای جلب نظر خواننده استفاده و بر روی ویژگی خاصی تأکید می کند و احساسات خواننده را جهت اهداف خود به بازی می گیرد. تعیین هویت الگوهای دستوری و واژگانی، نقش کلامی ارزیابی و مقایسه را در فرایند درک دارند و به خواننده این امکان را می دهند تا مفهوم ارزیابی را در متن، شناسایی کند و چهارچوبی از مقایسه و ارزیابی از متن را در ذهن خود تشکیل دهد.

فهرست منابع

کتابها

- ۱- مشکو الدینی، مهدی. (۱۳۸۱). **دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری**. چاپ دوم. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲- مشکو الدینی، مهدی. (۱۳۹۰). **دستور زبان فارسی واژگان و پیوندسازی**. چاپ پنجم. تهران: سمت.
- ۳- نائل خانلری، پرویز. (۱۳۸۶). **دستور زبان فارسی**. چاپ بیست و یکم. تهران: توس.

مقاله‌ها

- ۱- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات». ادب پژوهی، شماره اول، ۱۷، صص ۱۷-۲۸.
- ۲- قبادی، حسینعلی. (۱۳۹۰). «بررسی تحلیل مستند چهار قصیده فارسی بر اساس آموزه‌های زبان-شناسی سیستمی-نقشگرا»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش زبان و ادب فارسی. شماره بیستم، ۷۲، صص ۶۹-۹۴.

پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها

- ۱- محمدابراهیمی، زینب. (۱۳۷۶). روابط انسجامی در زبان فارسی: ارجاع. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- ۲- همتی، علی. (۱۳۹۳). ساخت معانی ارزیابی در مقالات (انشاء‌های) استدلالی توسط دانشجویان ایرانی رشته زبان انگلیسی با پیشینه‌های زبانی فارسی، کردی و عربی: مقایسه‌های عالی و ضعیف. پایان‌نامه دکتر، دانشگاه شهید چمران اهواز.

منابع انگلیسی

- 1- Bondi, M. and A.Mauranen. (2003). Specialized Issue on Evaluation. Journal of English for Academic Purposes, 2: 269- 374.
- 2- Eggins, Suzanne (2007) An Introduction To Systemic Functional Linguistics, reprinted New yourk.
- 3- G. Thompson, (2000) ,Evaluaton in text. Authorial stance and the construction of discourse. Oxford University Press: Oxford, New York.
- 4- Gutwinski, Waldemar. (1976): Cohesion In Literary Texts. Paris: Mounon.

- 5-Halliday,M.A.K, Rogiye Hassan, (1976), Cohesion In English, London, Longman.
- 6-Halliday ,M.A.K.(2004), An Introduction To Functional Grammer, Third Edition, Oxford University Press Inc., London.
- 7-Halliday, M.A.K. (1985) An Introduction to Functional Grammar, Great Britain, Edmundsbug Press.
- 8-Halliday, M.A.K. , Rogiye Hassan, (1984), Cohesion In English, London:Longman.
- 9-Hunston, S. (1994),Evaluation and organization in a sample of written academic discourse. In: M. Coulthard (1994), 191-218.
- 10-J.K.Martin and P.R.R. White, (2007) The language of evaluation. Palgrace Macmillan.
- 11-Radighri,Sara, Evaluative Language use in the art review, www.bhamlive2.bham.ac.uk.
- 12-Sinclair,(2000), A local grammar of evaluation. In: Hunston and Thompson (2000), 74-101.
- 13-Ventola, Eija (1991) Trend In Linguistics (functional and systemic